

وقایع چند روز گذشته نشان داد ریشه امنیتی مسائل شبیه دهه ۶۰ است رسانه‌های غربی چطور می‌خواهند برند سوخته تروریستی را بازسازی کنند؟

ری‌برندینگ جوخه ترور



سازمان مجاهدین خلق رساند و در خشونت و ویرانی طلبی به درجه‌ای رسید که در سال ۶۷ فرمان حمله به کشور خود و همچنین کشتار هموطنان بی‌دفاع و غیرنظامی خود را صادر کرد.

با مرور مواضع مسیح علی‌نژاد و نازنین بنیادی طی چند مدت اخیر و به‌خصوص دو ماه گذشته به‌راحتی می‌توان شاهد رگه‌هایی از باورهای جنگ طلبانه و ویرانگر سازمان منافقین در طول تاریخ چهل و چند ساله جمهوری اسلامی ایران بود. باوری که تحریم و جنگ را تنها به دلیل آنکه شاید موجب تضعیف حاکمیت ایران شود یک ابزار مشروع در دست خود می‌داند و دولت‌های خون‌ریزی مثل آمریکا و فرانسه را به استفاده از این ابزار تشویق می‌کند. طبیعتاً بدست‌فرمانی که این دو پیمانکار جنگ طلب دولت‌های غربی برای مبارزه با ایران دارند، چندان دور از انتظار نیست در مسیری قرار بگیرند که رجوی سال ۶۷ در آن قرار داشت. اعلام آغاز عملیات فروغ جاویدان (مرصاد) برای تجاوز همه‌جانبه به وطن خود و کشتار مردم بی‌دفاع و غیرنظامی ایرانی با هدف تشکیل دولتی دموکراتیک، عملیاتی که البته در کمتر از چند ساعت رویای منافقین را برای همیشه به کابوس مسعود و مریم رجوی تبدیل کرد.

مجاهدین‌نشان

نشریه مجاهد ارگان رسمی سازمان مجاهدین خلق (منافقین) است که بعد از انقلاب این سازمان نظرات خودش را در آن منتشر می‌کرد. نشریه مجاهد که تا سال ۱۳۸۶ در ایران منتشر می‌شد با هدف به آشوب کشیدن فضای داخلی ایران همان مطالبی را منتشر می‌کرد که اکنون نیز اگر ایران اینترنت‌نشان را مرور کنید می‌توانید تکرار آن مطالب را ببینید. دعوت به تحصن کارکنان ارتش، حمایت از رژه ملیشیا، تحریک دانشجویان و کارگران به آشوب و استفاده از برچسب ارتجاعی برای طرد مخالفان همگی تشری‌هایی است که تنها در صفحه اول یک شماره از این نشریه منتشر شده است. امروز نیز دعوت به اعتصاب سراسری، تشویق اقدامات مسلحانه علیه مردم و تحریک دانشجویان به اقدامات رادیکال، بخشی از مهم‌ترین دستورات کارگاهی است که رسانه‌های لندن‌نشین از جمله ایران اینترنت‌نشان آن را دنبال می‌کنند.

مسعود خدابخنده در اول شهریورماه سال جاری به افشاجاری علیه شبکه تلویزیونی ایران اینترنت‌نشان و گروهک مجاهدین خلق (منافقین) پرداخته و ضمن پرده برداشتن از ارتباط سه‌گانه عربستان سعودی، سازمان مجاهدین خلق و شبکه ایران اینترنت‌نشان می‌گوید: «مجاهدین از دوماه پیش مخارجی را که می‌پردازند تا مطالب‌شان در جست‌وجوی گوگل بالا بیاید، حذف کرده‌اند. با تصمیم عربستان سعودی و مخصوصاً ترکی الفیصل، مسئول سابق استخبارات سعودی قرار شده است شبکه ایران اینترنت‌نشان بازوی تبلیغاتی و زبان سازمان مجاهدین خلق شود.» در این راستا نشست سالانه سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در سال ۱۳۹۹ در آلبانی به‌صورت زنده از شبکه ایران اینترنت‌نشان پخش شد. این شبکه که پس از کشته شدن کودکان و زنان بی‌گناه در حمله تروریستی گروهک الاحوازیه به مراسم رژه نیروهای مسلح در ۳۱ شهریورماه تریون زنده‌اش را در اختیار رهبران این گروهک تجزیه‌طلب قرار داد در اغتشاشات اخیر نیز با همین دستورات وارد میدان شده است. رعنا رحیم‌پور، خبرنگار بی‌بی‌سی در یک صوت تلفنی به افشاجاری علیه ایران اینترنت‌نشان پرداخته و از دستورات این شبکه به کارکنان خود مبنی بر گفت‌وگو گرفتن با رهبران احزاب تجزیه‌طلب خبر داد. گفت‌وگوهای تبلیغاتی ایران اینترنت‌نشان را می‌توان در پوشش خبری تجمع تجزیه‌طلبان برلین نیز مشاهده کرد؛ تجمعی که در آن ۱۶ پرچم علیه تمامیت ارضی ایران بلند شد و رسانه‌های لندن‌نشین با ذکر آمار اغراق آمیز ۱۰۰ هزار نفر از آن حمایت کردند. درحالی که حتی همین آمار اغراق آمیز نیز کمتر از ۵ درصد ایرانیان خارج از کشور را شامل می‌شود. حمایت از تجمعات ضدایرانی پیش از این در کارنامه رسانه‌های منافقین وجود داشت. نشریه مجاهد سال ۸۶ با پوشش دادن اجتماع در پاریس تیریک خود را به این تجمع اختصاص داده و آمار شرکت‌کنندگان در این اجتماع ضدایرانی را ۵۰ هزار نفر اعلام می‌کند.

اسناریوی خودکشی هم تکرار می‌شود

«کسی امروز با سپایور زیر زبان و با اعتقاد به اینکه خون وی می‌تواند خلق را آگاه کند، به مبارزه نمی‌پردازد.» این را یکی از اعضای چریک‌های فدایی خلق، ۴۰ سال بعد از تاسیس این سازمان گفته بود. در کتاب «نگاهی از درون به سازمان چریک‌های فدایی خلق» به میحسث معروف «نقاد از خود» اشاره شده و اینکه این موضوع حتی خطاهای کوچک را هم گناه شامل می‌شد و برخی چریک‌ها نیز که تاب چنین فضای سنگینی را نداشتند، سیانور خوردند و خودکشی کردند. پس از انقلاب نیز عمدتاً منافقین از این‌ان ابزار برای عملیات‌های خود استفاده می‌کردند و این‌رو روند را حتی تا اوایل دهه ۷۰ نیز ادامه می‌دادند. خودکشی روشی بود که منافقین وقتی با بن‌بست مواجه می‌شدند به آن دست می‌زدند. این گروهک در سطح کلان نیز همین مشی را در پیش گرفته است. بعد از آنکه منافقین خود را از فضای سیاسی کشور در دهه ۶۰ حذف شده دیدند رو به اقدامات مسلحانه آوردند تا در نتیجه به منفورترین چهره‌های تاریخ معاصر ایران تبدیل شوند. در وقایع اخیر نیز عدم همراهی مردم با اقدامات آشوبگرانه باعث شده این گروه طرح‌ریزی خود را شکست‌خورده دیده و رو به اقدامات خشن مسلحانه علیه مردم ایران بیاورد تا در نتیجه روز بروز تدریجاً تفرق مردم نسبت به خود بیفزاید. این مسیر اما در نهایت نیز راه به جایی نخواهد برد و عوامل منافق جامعه مجدداً ناچار به خوردن قرص سیانور خواهند شد؛ قرص سیانوری که این بار در قامت موشک و گلوله درآمد و به خورد تروریست‌های جمع‌شده دور ایران داده می‌شود. دامنه این مرگ سیانوری اما این‌بار شاید فراتر برود و حامیان عبری و عربی آنها در منطقه را نیز به اغما ببرد.

حالا اما با توجه به اینکه سیاهه جنایات منافقین در ایران دهه ۶۰، این سازمان را تا حد غیرقابل انکاری در نگاه مردم منفور کرده است، دولت‌های غربی کم‌کم به سمت سرمایه‌گذاری روی چهره‌های جدید و کمتر شناخته‌شده تری قدم برداشته‌اند تا شاید بتوان از رهگذر این چهره‌ها بر افکار عمومی داخل ایران اثر گذاشت. معصومه علی‌نژاد قمی کلانی معروف به مسیح علی‌نژاد و نازنین بنیادی دو نفر از شاخص‌ترین این چهره‌ها هستند که هم دولت جمهوری خواه و هم دولت دموکرات آمریکا برنامه‌ویژه‌ای برای مطرح کردن آنان به‌عنوان نماینده اعتراضات مردم ایران در مجامع جهانی داشتند. در نمونه‌ای از این اعتماد دولت آمریکا، می‌توان به رقم ۶۳۰ هزار دلاری‌ای اشاره کرد که علی‌نژاد از سال ۲۰۱۵ تاکنون مستقیماً از دولت آمریکا دریافت کرده است. فارغ از مبلغی که این افراد از دولت آمریکا با هدف فیلم‌های تولیدی بازی کرده‌بود باید گفت این روزها مواضع صراحتاً ویرانی طلبانه این اشخاص است که آنها را برای دولت آمریکا قابل اعتماد کرده است. مواضعی که فصل مشترک همه آنها درخواست‌هایی از دولت آمریکا؛ اعم از دموکرات و جمهوری خواه برای وضع تحریم‌های فلج‌کننده گسترده علیه ایران. توجیه آنها برای این رویکرد جنایت‌بارشان هم آن است که این تحریم‌ها موجب تضعیف جمهوری اسلامی می‌شود، پس نباید چندان عواقب آن برای زندگی مردم ایران را جدی گرفت. درخصوص بنیادی که پیش از این به‌عنوان بازیگری دست‌چندم زمانی که در حادثه‌ی ناگوار سقوط هواپیمای اوکراینی همسر و فرزندش را از دست داد، تا ماه‌ها داد‌آباد بود، داغی که مردم ایران را هم عزادار کرده بود. اما اسماعیلیون رفته‌رفته به‌ویژه در این‌روزها تقریباً خود را با منافقین زیر یک پرچم می‌داند و مواضعی که می‌گیرد علناً در تضاد با منافع جمعی مردم ایران است. او با منافقین ارتباط تانتنگی گرفته و اکنون می‌توان گفت به بدل مسعود رجوی برای تحقق منافع سازمانی منافقین تبدیل شده است.

او، واژه‌هایی چون سازمان و مجاهدین می‌آید. سازمانی که منافقش بر همه چیز و همه‌کس حتی انسانیت برتری داشت. او در سال ۱۳۴۶ در سن ۱۹ سالگی به عضویت سازمان مجاهدین خلق درآمد و تا سال ۵۰ و دستگیری توسط ساواک سمت بالایی در سازمان نداشت. رجوی پس از آزادی از زندان به‌عهددار ریاست این سازمان شد. اوج فعالیت ضدایرانی رجوی در شروع جنگ ایران و عراق برمی‌گردد. زمانی که رجوی با دولت عراق همدست شد تا ایران را از درون به مرز فروپاشی برساند. ایران از طرفی درگیر جنگ خارجی با رژیم بعث عراق بود و از سوی دیگر درگیر جنگ داخلی با منافقینی چون فرقه رحیون. این درگیری البته در سال‌های بعدی تا به امروز ادامه داشته به طوری که این روزها سازمان‌ها و گروهک‌های جدیدی در حمایت سازمان منافقین خود را به‌عنوان مبارز (۱) مطرح کردند تا همان هدف و رسالت چند دهه‌ای و شکست‌خورده این سازمان را به سرانجام برسانند. یکی از افراد شاخصی که این روزها رسانه‌های تجزیه‌طلب و جریانات تحریم‌طلب قصد دارند او را در قامت رهبری کاربزمیاتیک و شایسته نشان دهند حامد اسماعیلیون است. اسماعیلیونی که نشانه‌های تعلق خاطر و نزدیکی خود به گروهک تروریستی رجوی را از خود بروز داده است و منافع سازمانی‌اش را بر منافع داغدیدگان ایرانی حادثه سقوط هواپیمای اوکراینی ترجیح داده و می‌خواهد تمام ایران را به پای سازمان مطبوع خود بسوزاند. اسماعیلیون زمانی که در حادثه‌ی ناگوار سقوط هواپیمای اوکراینی همسر و فرزندش را از دست داد، تا ماه‌ها داد‌آباد بود، داغی که مردم ایران را هم عزادار کرده بود. اما اسماعیلیون رفته‌رفته به‌ویژه در این‌روزها تقریباً خود را با منافقین زیر یک پرچم می‌داند و مواضعی که می‌گیرد علناً در تضاد با منافع جمعی مردم ایران است. او با منافقین ارتباط تانتنگی گرفته و اکنون می‌توان گفت به بدل مسعود رجوی برای تحقق منافع سازمانی منافقین تبدیل شده است.

نازنین بنیادی و مسیح علی‌نژاد در رقابت برای «مریم رجوی، شدن»!

مریم قجرعضدانلو، دختر فارغ‌التحصیل رشته مهندسی متالوژی از دانشگاه صنعتی شریف است که بعد از ازدواج با مسعود رجوی، رهبر سازمان مجاهدین خلق در سال ۶۴ با نام مریم رجوی مطرح و رفته‌رفته با اقدامات خود در رأس سازمان منافقین، به‌عنوان یکی از خون‌ریزترین تروریست‌های تاریخ ایران تثبیت و شناخته شد. مریم رجوی که در ابتدای انقلاب حتی با کاندیداتوری در انتخابات مجلس قصد ورود به قوه مقننه جمهوری اسلامی را داشت بعد از آغاز فاز مسلحانه سازمان منافقین در مقابله با نظام، به‌مرور به‌جهت سابقه مبارزاتی (۱) خون‌بار خود به حلقه‌های سخت سازمان نزدیک و سرانجام بعد از ازدواج با مسعود، رسماً به نفر دوم گروهک منافقین تبدیل شد. گروهک رجوی بعد از شکست‌های مکرر به صدام پناه برد و بعد از افول رژیم بعث تصمیم گرفت مقر خود را به اروپا منتقل کند. البته سازمان منافقین در گيرودار شکست‌های مفتضحانه‌شان هیچ‌وقت ویژگی خیال‌پردازی و توهم‌های خاص خود را کنار نگذاشتند. این توهمات تا جایی ادامه داشت که بعد از شایعه مرگ مسعود رجوی، این مریم رجوی بود که در سال ۷۲ از سوی سازمان به‌عنوان «رئیس جمهوری منتخب مقاومت ایران برای دوران انتقال» معرفی شد!

در کف خیابان‌های ایران قابل رویت است. اواسط شهریورماه زمانی که نخستین جرقه‌های اغتشاشات خیابانی در ایران زده می‌شد آلبانی، کشور میزبان لشکر سایبری منافقین، ایران را متهم به حمله سایبری علیه خود کرده و روابط خود با تهران را کاهش داد. بلافاصله بعد از طرح این ادعا، آدرین واتسون سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید در بیانیه‌ای از آلبانی درخصوص ادعاهای سایبری این کشور علیه جمهوری اسلامی ایران حمایت کرد تا نشان دهد دموکرات‌ها نیز به رویکرد ایجاد آشوب در ایران کاملاً پایبندند.

مسلمان بن‌صدام

نام «صدام حسین» که شنیده می‌شود، همه به‌یاد جنگ و خون و تجزیه ایران می‌افتند. او رئیس‌جمهور عراق بود که به‌عنوان دیکتاتوری بی‌رحم شهرت جهانی داشت. درعین حال فردی ماجراجو و به‌دنبال موقعیت‌های مناسب برای کسب قدرت بیشتر بود. از همین منظر، صدام حمله به ایران و تصرف آن را پل‌ی برای کسب قدرت در خاورمیانه و رهبری بر اعراب می‌دانست. در این میان او سعی کرد برای دستیابی به هدفش، مخالفان داخلی انقلاب ایران از جمله سازمان مجاهدین خلق (منافقین) را با خود متحد کند تا از این طریق توجه مردم و نیروهای مسلح را به مسائل داخلی معطوف کند و خود بتواند به پیشروی ادامه بدهد. از میانه جنگ تحمیلی همکاری سازمان مجاهدین خلق با صدام و رژیم بعث عراق آشکارتر شد. بعد از اینکه مسعود رجوی با سران حزب بعث عراق و صدام دیدار کرد، منافقین از فرانسه و اروپا به عراق منتقل شدند و در یادگانی که آن را اشرف نامگذاری کردند، مستقر شدند. آنان ابتدا با ارتش بعث عراق همکاری اطلاعاتی داشتند، اما از سال ۶۷ و با تشکیل ارتش آزادی‌بخش وارد فاز عملیاتی شدند. پیش از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران، عملیات‌های آفتاب و چلچراغ را در مناطق فکه و مه‌ران اجرا کردند. چند روز پس از پذیرش قطعنامه نیز عملیات «فروغ جاویدان» را اجرا کردند. این همکاری بلندمدت صدام و منافقین شباهت بسیاری به همکاری بلندمدت محمد بن‌سلمان ولیعهد سعودی و منافقین دارد؛ چرا که بن‌سلمان هم در پی کسب قدرت سعی می‌کند از هر فرصتی برای تجزیه ایران استفاده کند. نقش دولت عربستان سعودی در ناآرامی‌های سه‌ماهه اخیر، موضوعی نیست که تردیدی در آن وجود داشته باشد؛ از حمایت‌های مالی و سیاسی گروهک‌های خارج‌نشین گرفته تا عملیات رسانه‌ای از طریق شبکه ایران اینترنت‌نشان. دولت سعودی برای ضربه زدن به ایران امکانات بسیاری در اختیار گروهک تروریستی منافقین قرار داده و خود نیز به این مساله اذعان کرده است. سال ۹۵ ترکی الفیصل، رئیس سابق اطلاعات سعودی در نشست منافقین در پاریس شرکت کرد و میهمان ویژه آنها بود و در سخنرانی خود گفت که باید حکومت ایران تغییر کند. مدتی پس از این دیدار بود که بن‌سلمان مدعی شد: «تلاش می‌کنیم نبرد را به درون ایران بکشانیم... دامن زدن به غائله‌ی ماه ۹۶ را می‌توان نتیجه همین رویکرد سعودی‌ها دانست؛ غائله‌ای که سال‌های ۹۸ و ۱۰۱ نیز تکرار شد و نشان داد سعودی‌ها رویای تجزیه ایران را کنار نگذاشته‌اند و از هر بهانه‌ای برای تحقق آن استفاده خواهند کرد.

رجوی اسماعیلیون

کمتر کسی است که مسعود رجوی را نشناسد. به‌دنبال نام

فرهنگ‌یگان حوادثی که در چند ماه اخیر در خیابان‌های کشور رخ داده و اکنون چند روزی است که مولفه خشونت آن تقویت شده به مرور چهره ضدبشری طراحان آن را بهتر عیان ساخته و تنفر مردم را نیز بیشتر برمی‌انگیزد. این نکته را روز گذشته رهبر انقلاب نیز در دیدار با مردم اصفهان متذکر شدند. رهبر انقلاب اهداف و نتایج این قبیل اقدامات را این‌گونه توصیف کردند: «آنهاهی که پشت‌صحنه اغتشاشات را دارند می‌چرخانند، می‌خواستند مردم را در صحنه بیاورند. حالا که نتوانستند، می‌خواهند شسرات کنند بلکه بتوانند مسئولان کشور را و دستگاه را خسته کنند. اشتباه می‌کنند؛ این شرارت‌ها موجب می‌شود مردم خسته بشوند، از آنها بیزارتر بشوند، از آنها متنفرتر بشوند. حالا که مردم از این اشرار متنفرند. ادامه این کار موجب می‌شود تنفر مردم بیشتر بشود. آنچه رهبر انقلاب در مورد افزایش میزان تنفر مردم نسبت به طراحان این حوادث متذکر شدند را شواهد تاریخی نیز اثبات می‌کند. این اولین بار نیست که گروهک‌های برانداز ضد انقلاب و حامیان غربی و منطقه‌ای آنها، گسترش نامی در کشور و جنایت در کف خیابان‌های ایران را در دستورکار قرار می‌دهند. بعد از آنکه تلاش‌های دولت‌های غربی برای زمین زدن انقلاب به شکست انجامید رویکرد جنگ تحمیلی با هدف ایجاد فشار خارجی علیه ایران آغاز شد و در داخل نیز دامن زدن به ناامنی‌ها با استفاده از عوامل منافق گروهک سازمان مجاهدین در دستورکار قرار گرفت. اغتشاشگران داخلی و نظامیان عراقی همچون دو لیه یک قیچی برای تکه‌تکه کردن نقشه ایران در دست دول استکباری جهان قرار گرفتند. اتحاد شوم جنایتکاران داخلی اگرچه خاطرات تلخی از دهه ۶۰ را در حافظه تاریخی ملت ایران حک کرده اما حتی نتوانست یک وجب از خاک ایران را جدا کند. مقاومت مردم در نهضات تروریست‌های منافقین را از کشور بیرون رانده و جنگ جهانیان علیه خود را مهار کرد. صدام سر به حلقه دار سپرد و حلقه منافقین نیز سر به دامن استکبار. حال ۳۰ سال از آن دوران می‌گذرد و تروریست‌های مجاهدین خلق بدون درس گرفتن از تاریخ دقیقاً مشابه دهه ۶۰ جنایت علیه مردم ایران را تکرار می‌کنند. تنها تفاوت سناریوی امنیتی جدید علیه ایران تغییر چهره‌های اصلی بازی است. منافقین که به‌واسطه جنایات خود در دهه ۶۰ بدنه اجتماعی خود را از دست داده و برند خود را سوزانده‌اند برای احیای خود، هویتی جدید را ایجاد کرده و همان ابزارهای قدیم را با ظاهری جدید به کار گرفته‌اند. نقش دیکتاتور حامی را به جای صدام، بن‌سلمان بازی می‌کند؛ هویت مسعود و مریم رجوی را قرار است امثال حامد اسماعیلیون، مسیح علی‌نژاد و نازنین بنیادی احیا کنند و آمریکای همیشه‌ضدایران هم به جای ریگان با باییدن میدان جنگ ترکیبی را اداره می‌کند. در نهضات این راهبرد طراحی‌شده علیه پیشرفت ایران اما راه به جایی نخواهد برد. مردم ایران که بحران‌های شدیدتری از وقایع اخیر را پشت‌سر گذاشته‌اند و از ایمانی متکی به یک تجربه تاریخی بهره‌مند هستند بار دیگر بساط شرارت را جمع کرده و با رویه تازه‌تری مسیر پیشرفت را ادامه خواهند داد.

باید روی ریل ریگان

تنها ۵ ماه بعد از آغاز جنگ تحمیلی علیه ایران رونالد ریگان، از حزب جمهوری خواه به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا آغاز به کار کرده و حمایت این کشور از دولت بعث عراق را شدت بخشید. وزارت خارجه آمریکا در ماه فوریه سال ۱۹۸۲، عراق را از فهرست کشورهای حامی تروریست خارج کرد تا بتواند راه را برای همکاری با این کشور باز کند. یک ماه بعد ریگان دستور داد تا حمایت‌ها از صدام شدت یابد. بنابر اظهارات کنت پولاک، نویسنده آمریکایی، آمریکا اطلاعاتی را که از طریق ماهواره‌های خود به‌دست می‌آورد در اختیار رژیم صدام قرار می‌داد. در ماه مارس سال ۱۹۸۵، آمریکا با ارسال تکنولوژی لازم برای تاسیسات کشتار جمعی در عراق موافقت کرد. هم‌زمان با تقویت عراق، تضعیف ایران از طریق اعمال تحریم‌های ظالمانه نیز در دستور کار قرار گرفت. محدود کردن کمک‌های سازمان‌های بین‌المللی به ایران در سال ۱۹۸۲، تحریم فروش اسلحه، قطعات یدکی و تجهیزات در سال ۱۹۸۶ و ممنوعیت واردات نفتی و غیرنفتی از ایران در ۱۹۸۷ نمونه‌هایی از همین تحریم‌ها است. حمایت‌های دولت آمریکا از جریان ضدایرانی صرفاً به دولت بعث عراق محدود نشده و پال دیگر تجزیه‌طلب ایران یعنی اعضای تروریست منافقین را نیز شامل می‌شد. پس از افساسی ماهیت سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، «جرج پال» معاون اسبق وزارت امور خارجه آمریکا، به «ریگان» توصیه کرد که باید از «مسعود رجوی» سرکرده گروهک منافقین و همدستانش حمایت پیشروستی به عمل آرد. به همین منظر سبا وارد عمل شد تا این نقشه را عملی کند. در همین رابطه روزنامه «کیهان» در روز سوم خرداد ۱۳۶۰ به نقل از «کریستین اینترنت‌نشانال، چاپ کانادا نوشت: «سازمان سیا هم‌اکنون میلیون‌ها دلار جهت نزدیک ساختن و متحد کردن هرچه بیشتر جناح‌های ضدانقلاب به یکدیگر اختصاص داده است. سیا امیدوار است که با کمک این جناح‌ها بتواند در ایران اغتشاش و جنگ داخلی برپا کند. و ادبیاتی که در دهه ۶۰ برای افشای نقش آمریکا در به آشوب کشیدن ایران استفاده می‌شد در فضای فعلی نیز می‌تواند کاربرد داشته باشد. آمریکای تحت فرمان بایدن هم‌زمان با تشدید تحریم‌های ضدایرانی، دولت‌های مترجع منطقه را نیز مورد حمایت قرار داده تا هدف ایجاد جنگ داخلی در ایران سریع‌تر اجرایی شود. هدفی که بن‌سلمان آن را صراحتاً بیان کرده و تلوزیون ایران اینترنت‌نشان را نیز برای رسیدن به آن به‌طور کامل در اختیار منافقین قرار داده است. آمریکا برای رسیدن به این هدف به واسطه گری عربستان نیز اکتفا کرده و خود رسماً وارد میدان حمایت علنی از منافقین شده است. طی جاری مقامات دولت سابق آمریکا دو بار از پایگاه اشرف در آلبانی بازدید کرده‌اند. اردیبهشت‌ماه پیشو، وزیرخارجه پیشین آمریکاراه تیرانا شد و تیرماه نیز مایک پنس معاون ترامپ در اشرف حاضرشده و از هدف مشترک خود با منافقین گفت. هدفی که امروز واضح‌تر